

بررسی معانی و مخاطبان سلام نماز

علیرضا صالحی^۱

چکیده:

سلام یکی از واژه‌های قرآنی با گستره‌ای از معانی متنوع و عمیق و دارای ابعاد و جلوه‌های کاربردی گوناگون است. این واژه آسمانی نامی از نامهای خداوند کریم است که احادیث بسیاری در بیان معنی و مراتب و مواضع آن از زبان پیامبر (ص) و ائمه معصومین نقل گردیده و نمودهای آن در بسیاری از متون دینی و از جمله دعاها و زیارت نامه‌ها و نیز در عرصه مراودات اجتماعی به گستردگی دیده می‌شود. نماز به عنوان برترین اعمال و عبادت‌ها و زیباترین جلوه گاه عبودیت و بنده گی بر آستان حضرت معبود، دارای ارکانی است که از جمله آنها سلام است. در این مقاله برپایه برجسته ترین کتابهای لغت عربی و فارسی ابتدا مهمترین معانی و مفاهیم سلام شناسایی و جمع‌بندی گردیده است. در مرحله بعدی بر اساس معانی به دست آمده مهمترین معناها و پیامدها و به عبارت دیگر فلسفه سلام نماز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: سلام، صلوة، قرآن، معنا.

طرح مسأله

همان گونه که در بخش تحلیل لغوی واژه سلام اشاره خواهد شد، پانزده معنای کلی برای این کلمه به دست آمده است. بر پایه احکام شرعی یکی از ارکان نماز سلام است. در این رکن، نمازگزار در قالب سه فراز که فرازهای اول و دوم آن مستحب و فراز پایانی واجب می‌باشد ابتدا به پیامبر اعظم (ص) سلام می‌فرستد، سپس بر ما (ضمیر متکلم مع الغیر) و بندگان صالح خداوند و در فراز پایانی بر شما (ضمیر جمع حاضر)

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

سلام می‌دهد. مساله نخست مقاله این است که از بین پانزده معنای به دست آمده از سلام، کدام معنی با روح سلام نماز و هر یک از مخاطبان آن سازگار است و مساله دیگر که در پی پاسخگویی به آن هستیم این است که مخاطبان در فرازهای دوم و سوم نماز چه کسانی هستند.

مقدمه

سلام یکی از کلیدی‌ترین واژه‌های قرآن و دارای معانی و مفاهیم بسیار وسیع و متنوع در گستره فرهنگ اسلامی است. این کلمه مبارک از جمله اسماء الهی و واژه تحیت در بین مسلمانان است که در قیاس با تحیت واژه‌های دیگر ملل و فرهنگ‌ها در نوع خود بی‌نظیر است. سلام به عنوان رکنی از ارکان نماز^۱ و بخش پایانی این فریضه الهی، همانند سایر ارکان و مقارنات برخوردار از اسرار و نکته‌های بسیاری است که بخشی از آنها بر پایه روایات رسیده از پیامبر (ص) و ائمه معصومین توسط بسیاری از آشنایان حقیقت نماز و اسرار الصلوه نویسان بیان گردیده و مسلماً راه تامل و درنگ بیشتر در این عرصه گشوده و تا رسیدن به کمال معرفت مسیری طولانی در پیش است. همان گونه که در آغاز سخن اشاره گردید سلام دارای معانی متعدد و وسیعی است که بیشتر آنها در سلامهای قرآنی نمود یافته است.

این که در بین این معانی و مفاهیم گوناگون کدام با حقیقت سلام نماز پیوند بیشتری دارد و اینکه درباره فلسفه سلام نماز از بین آراء مختلف کدام رای به صواب نزدیکتر و از درجه اعتبار بیشتری برخوردار است و نهایتاً اینکه مخاطبان سلام نماز در هر فراز چه کسانی هستند و چه پیامی به آنها عرضه می‌گردد، از جمله سوالات اساسی مطرح درباره سلام نماز است که با توفیق الهی و با بهره‌گیری از مجموعه احادیث و روایات ائمه معصومین و نکته‌های ارزشمند مطرح شده درباره فلسفه و اسرار نماز، برآنیم در حد بضاعت پاسخهایی برای آنها بیابیم. ضمن آنکه بررسی تطبیق گونه بر روی مجموعه‌ای از اسرار الصلاةها و کتابهایی که سعی کرده‌اند در حد خود رازهایی از نماز را بیان دارند صورت خواهد گرفت.

۱- مراد از رکن، اصطلاح فقهی آن نیست که در رساله‌های توضیح المسائل از آن سخن رفته و بر مبنای آن گفته‌اند: ارکان نماز ۵ چیز است: نیت، تکبیرة الاحرام، قیام متصل به رکوع، رکوع و دو سجده نماز.

نگاهی بر مهمترین معانی و مفاهیم واژه سلام بر پایه معتبرترین فرهنگهای لغت جهت رسیدن به مهمترین معانی و مفاهیم واژه سلام، نیاز بود تا آنچه فرهنگهای لغت معتبر عربی و فارسی درباره این واژه آسمانی ذکر کرده‌اند مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و با حذف موارد مشابه جمع بندی دقیقی در زمینه معانی واژه سلام صورت گیرد. بر همین اساس ابتدا نکات گسترده مطرح شده در کتابهای لغت معروف لسان‌العرب (ج ۱۲، ص ۲۸۹)، مجمع‌البحرین (ج ۶، ص ۸۴)، کتاب‌العین (ج ۷، ص ۲۵۶)، تهذیب اللغه (ص ۴۴۵) و آنچه مفسران و لغت‌شناسان عربی زبانی نظیر طریحی (ماده سلم)، زبیدی (ماده سلم)، ابن قتیبه (ج ۱، ص ۲۳۹)، راغب (ماده سلم)، جفری (ص ۲۵۸)، سیوطی (ج ۱، ص ۱۲۱)، خرمشاهی (ص ۱۲۰۶)، انصاف پور (ص ۵۸۵)، دهخدا (ص ۱۳۷۱۱)، ری شهری (ص ۲۵۷۱)، مصطفی (ص ۴۴۶) و بسیاری دیگر از اهالی لغت در کتابها و آثار خویش درباره سلام آورده‌اند و بیان همه آنها در حد کتابی گسترده خواهد بود، مورد فیش برداری و طبقه بندی قرار گرفت و با حذف مشترکات در مجموع پانزده معنای مستقل برای سلام به دست آمد که به شرح زیر است.

- ۱- سلامت، سلامتی از تمامی آفات، سالم، پاک و بری،
- ۲- نامی از نامهای خداوند،
- ۳- عافیت، آرامش،
- ۴- امنیت، ایمنی، در امان ماندن از یکدیگر،
- ۵- مسالمت و آشتی،
- ۶- درود و تهنیت،
- ۷- خداحافظی و تودیع،
- ۸- بی اعتنائی توأم با بزرگواری،
- ۹- تسلیم شدن و گردن نهادن،
- ۱۰- سخن خالی از لغو، قول محکم و هدفمند،
- ۱۱- نام درخت بزرگی که از هر نوع آفتی در امان است،
- ۱۲- نام سنگی سخت است که از سستی در امان و سلامت است، سنگهای بزرگ و کوچک، سنگهای پهن،
- ۱۳- اجازه گرفتن،

۱۴- تعظیم و تکریم،

۱۵- چوبی دراز مانند شاخه درخت.

بررسی معانی سلام در نماز

همان گونه که در بخش قبلی گفته شد، پانزده معنای کلی برای واژه سلام در فرهنگ‌های مختلف لغت آمده، که از بین معانی ذکر شده باید بررسی کنیم کدام دسته از معانی با روح سلام در نماز مناسبت و مطابقت دارد. در این زمینه با رجوع به مجموعه‌ای از منابع و کتابهایی که در زمینه فلسفه و اسرار نماز نگاشته شده و در این گفتار به مهمترین نکات و مباحث آنها اشاره می‌شود، ضمن بیان برجسته ترین دیدگاه‌ها در جوانب گوناگون موضوع و جمع بندی مطالب، نتایج بررسی‌ها به طور خلاصه بیان خواهد شد. به همین خاطر ابتدا درباره معانی سلام نماز و مخاطبان آن مهمترین نظرها آورده شده است.. بی شک در ضمن مباحث به نکاتی پیرامون فلسفه و تاویل سلام در نماز و پیوندهای آن با معراج پیامبر اعظم (ص) اشاره خواهد شد.

الف - بررسی مهمترین آراء و نظرها در زمینه معانی و مفاهیم سلام نماز

۱- ملاحسین فیض کاشانی، امام خمینی (ره)، شهید ثانی، حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، آیت اله جوادی آملی و برخی مولفان دیگر در بیان معنای سلام در نماز معنای امان را برگزیده‌اند و این بر پایه حدیث معروفی منسوب به امام صادق (ع) در کتاب مصباح الشریعه است که می‌فرماید: «معنی السلام فی دبرکل صلو، الامان، ای، من ادی امر الله و سنه نبیه (ص) خاشعاً منه قلبه، فله الامان من بلاء الدنیا و برائة من عذاب الآخرة. و السلام اسم من اسماء الله تعالی. اودعه خلقه لیستعلموا معناه فی المعاملات و الامانات و الاضافات و تصدیق مصاحبتهم فیما بینهم و صحة معاشرتهم و اذا اردت ان تضع السلام موضعه و تودی معناه، فاتق الله و لیسلم منک دینک و قلبک و عقلک و لا تدنسها بظلمة المعاصی و لتسلم حفظتک ان لاتبر مهم و لاتملهم و توحشهم منک بسوء معاملتک معهم ثم صدیقک ثم عدوک، فان من لم یسلم منه من هو الاقرب الیه، فالأبعد اولی و من لایضع السلام موضعه هذه، فلا سلام و لاتسلیم و کان کاذباً فی سلامه و ان افشاه فی الخلق»،

یعنی: معنای سلام در پایان نماز امان است یعنی هر کس امر خدا و سنت پیامبرش را با خشوع قلب به جای آورد، از بلای دنیا در امان است و از عذاب آخرت برکنار و سلام نامی از نام‌های خدای تعالی است که در میان خلق خود به ودیعت نهاده تا در داد و ستد، نگاهداری امانات و روابط باهم و صدق همنشینی و صحت آمیزش و معاشرتشان به کار برند و اگر خواهی سلام را در جای خود نهی و معنایش را ادا کنی، باید از خدا پروا نمایی و دین و عقل تو از تو در سلامت باشد و آنها را به تیرگی گناهان نیالایی و باید فرشتگان نگهبانان را در امان بداری و آنها را نیازاری و ملولشان نسازی و با رفتار ناشایست ایشان را از خود دور نسازی. سپس دوست و آن گاه دشمنت باید از تو در امان باشند که هر کس که سلام را در این جایگاه‌ها نهد او را نه سلام است و نه تسلیم و او در سلام خود در غگوست هر چند در میان مردم بدان تظاهر کند.

۲- حاج میرزا ملکی تبریزی نیز در زمینه معنای امان می‌نویسد: «از این کلمات حکم سلام نمودن بر مردم را دریاب، آیا به کسی سلام نمودی، در حالیکه در دل سلامتی جمیع نعمتها یا بعضی از آنها را برای او نمی‌خواهی. آیا این جز نفاق چیز دیگری هست. و آیا می‌تواند انسان در مقابل چنین سلامی توقع اجر و ثوابی که خدا برای این عمل معین نموده داشته باشد. هم چنین موقعیت سلامت را به پیامبر و ائمه در نماز و زیارات آنها درک کن» (همو، ۳۶۸).

۳- ملامحسن فیض کاشانی در چارچوب حدیث امام صادق (ع) می‌فرماید: «پس هرگاه سالم نماند حفظه اعمال تو که ایشان نزدیکترند به تو و نیستند دورتر آن که دوست و دشمن می‌تواند باشد، به طریق اولی آنان سالم نخواهند ماند، و کسی که وضع میکند سلام را به این وجه که ذکر شد در محل خود، هیچکس از دست او سالم نخواهد بود و می‌باشد او کاذب در سلام خود، هر چند افشاء کند سلام را در میان خلق» (فیض کاشانی، ۱۷۶).

۴- در کتاب معانی الاخبار از عبدالله بن فضل هاشمی نقل است که می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره معنای سلام پرسیدم، فرمود: سلام نشانه ایمنی و بیرون رفتن از نماز است. گفتم فدایت شوم چگونه، فرمود: در گذشته مردم چنین بودند که چون کسی بر آنان وارد می‌شد و سلام می‌داد به این معنا بود که او نیز از شر آنان در امان است. اما اگر در حال ورود سلام نمی‌کرد، از شر او در امان نبودند و اگر آنان نیز پاسخ

نمی‌دادند از شرشان در امان نبود. این اخلاق در میان عرب رواج داشت. پس سلام نشانه خروج از نماز و آزاد شدن سخن گفتن قرار داده شده و این نکته را تأمین می‌کند که چیزی نتواند داخل نماز شود و آن را فاسد کند، سلام نامی از نامهای خداوند است که نمازگزار، خطاب به دو فرشته‌ای که از جانب خداوند بر او گمارده شده اند انجام می‌دهد» (همانجا).

۵- در کتاب بحار الانوار، از امام علی (ع) حدیثی نقل گردیده که دلیل گفتن: «(السلام علیکم و رحمه الله و برکاته) در نماز را درخواست ترحم از جانب خداوند سبحان می‌دانند یعنی نماز امان شما از عذاب قیامت است» (مجلسی، ۲۵۴/۸۱).

۶- آیت ... جوادی آملی در این خصوص می‌نویسد: «تاویل سلام، همان مورد رحمت قرار گرفتن از ناحیه خداوند است» (همو، ۱۴۸). در سایر منابع یاد شده تعبیری شبیه آنچه گفته شد دیده می‌شود.

ب - مخاطبان سلام

همان گونه که می‌دانیم سلام آخرین بخش نماز است که در سه فراز:

۱- السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته،

۲- السلام علینا و علی عباداله الصالحین،

۳- السلام علیکم و رحمه الله و برکاته، جلوه‌گر می‌شود.

فقها تنها بیان فراز سوم یعنی گفتن: «السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» را واجب دانسته و دو مقام دیگر را مستحب می‌دانند. بدون شک مجموعه تحلیل‌هایی که در زمینه سلام نماز صورت گرفته ناظر بر فراز سوم است که در این بخش چکیده‌ای از آنها را ذکر می‌کنیم.

۱- امام خمینی در رساله نوین، مخاطب سلام در «السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» را فرشتگان یا فرشته صفتان نقل کرده اند و می‌فرماید: «از آنجا که نماز در اسلام معراج و سفر روحانی شخص با ایمان است در آخرین رکعت هر نماز بعد از تشهد، با رهبر و پیشوایان، با امت اسلامی خود، با همه گروه‌ها و احزاب صالح و نیکوکار و با ارواح فرشتگان رابطه روحی برقرار نموده آنها را در برابر خود احضار می‌کنیم و به آنان سلام می‌دهیم که: «بعد منزل نبود در سفر روحانی» (رساله نوین، ۱۰۰):

۱-۱- «السلام علیک ایها النبی و رحمہ اللہ و برکاتہ»، یعنی: سلام و رحمت و برکت الهی بر تو ای پیغمبر!

۱-۲- «السلام علینا»، یعنی: سلام بر ما. (که با هم هم عقیده بوده امت اسلامی و حزب الله را تشکیل می‌دهیم).

۱-۳- «و علی عبادالله الصالحین»، یعنی: و سلام بر همه بندگان نیکوکار خدا.

با این سلام خود را از فرقه‌سازی و حزب‌پرستی و خود برترینی دور می‌سازیم و به همه جمعیت‌هایی که در راه راستی و صلح و نیکوکاری گام بر می‌دارند درود می‌فرستیم.

۱-۴- «السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ»، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما (فرشتگان یا فرشته صفتان) باد.

و این سلام ما را از محدوده زمین و زمینیان خارج و با جهان ارواح و فرشتگان نیز ارتباط می‌دهد. و پایان دادن نماز با سلام به فرشتگان نتیجه نماز را می‌رساند که مسلمان چنانچه با توجه و خشوع نماز بگذارد دارای خوی و خصلت فرشتگان خواهد شد تا جاییکه به مقام فرشتگان می‌رسد و به آنان سلام می‌دهد (بی‌آزاد شیرازی، ۱۰۰).

۲- آیت... جوادی آملی می‌فرمایند: «اصل (سلام) در شب معراج تمثیل یافت. هنگامی که پیامبر خدا، در نماز شب معراج نشست و دستوره‌های تشهد و صلوات را اجرا کرد. توجهی کرد، ناگاه صفوف فرشتگان و پیامبران را حاضر دید! به او گفته شد: ای محمد بر آنان سلام کن؛ «فقال السلام علیکم و رحمۃ اللہ و برکاتہ، فاوحی اللہ - عزوجل - الیه ان السلام و التحیة و الرحمة، والبرکات انت و ذریکت» (کلینی، ۴۸۶/۳) گفت: سلامت و رحمت و برکات خداوند بر شما باد، خداوند به او وحی کرد: سلام، تحیت و رحمت و برکات تو و دودمان تو هستی».

۳- در کتاب علل الشرایع از امام صادق (ع) درباره وجوب سلام در نماز سوال شد و ایشان فرمود: «لانه تحلیل الصلاة» سلام موجب رها کردن سلام است. مفضل بن عمر پرسید: پس برای چه نمازگزار با اشاره به جانب راست سلام می‌دهد و به جانب چپ اشاره نمی‌کند؟ فرمود: زیرا فرشته‌ای که نیکبها را می‌نگارد، به طرف راست گمارده شده و فرشته‌ای که بدی‌ها را می‌نویسد، به جانب چپ است و نماز از نیکبهاست که در آن بدی وجود ندارد، از این رو سلام نماز به جانب راست داده می‌شود نه چپ. پرسیدم پس برای چه گفته نمی‌شود «السلام علیک» باین که فرشته جانب راست یک نفر است، بلکه

گفته می‌شود: «السلام علیکم»؟ فرمود سلام به صورت جمع [السلام علیکم] برای آن است که هم به فرشته طرف راست سلام کرده باشد و هم به فرشته جانب چپ، ولی فضیلت طرف راست بر چپ با اشاره به راست تحقق می‌یابد... - سرانجام مفضل بن عمر پرسید - برای چه بیرون آمدن از نماز با سلام صورت می‌گیرد؟ فرمود: زیرا سلام، تحیت و درود بر آن دو فرشته است. سپس فرمود: در برپاداری نماز با حدود آن و رکوع و سجود و سلام، سلامت عبد از آتش دوزخ لحاظ شده، و چنانچه در قیامت، نماز بنده نمازگزار پذیرفته شود، سایر اعمالش نیز پذیرفته می‌شود. پس اگر نمازش سالم باشد همه اعمال وی نیز سالم خواهد بود و اگر سالم نباشد و به او برگشت داده شود، سایر اعمال شایسته او نیز مردود خواهد بود (جوادی آملی، ۱۴۸ به نقل از علل الشرایع).

۴- در کتاب نکته‌های ناب از آیت الله العظمی بهجت می‌خوانیم: «وقتی بنده از پیشگاه مقدس حضرت حق باز می‌گردد، اولین چیزی که سوغات می‌آورد، سلام از ناحیه اوست. در دعای مسجد کوفه می‌خوانیم: اللهم انت السلام و منک السلام و الیک یرجع و یعود السلام حینا ربنا منک بالسلام» (باقی‌زاده، ۸۳ به نقل از بحار الانوار)، یعنی: خداوند تو خود سلامی و سلام از ناحیه توست و به سوی تو باز می‌گردد. پروردگارا ما را به سلام از ناحیه خود تحیت گوی.

۵- در کتاب سرود یکتاپرستی می‌خوانیم: «نمازگزار پس از تشهد می‌گوید: السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته؛ سلام و رحمت خدا بر تو ای پیغمبر! بعد می‌گوید: السلام علینا و علی عبادالله الصالحین؛ سلام بر ما و بر همه بندگان نیکوکار خدا. مسلمان در هر نمازی پیوند دوستی با همه بندگان نیکوکار خدا را به خود تلقین می‌کند. به عبارت دیگر، درود صلح بر بندگان نیکوکار و مسلمان را هر روز در نماز تکرار می‌کند. صلح و سلام بر بندگان صالح. بعد هم اگر کسانی اینجا هستند: السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» (بهشتی، ۲۷ و ۲۸).

۶- ملا احمدنراقی در کتاب معراج السعادة، در میان برخی از آداب و اسرار نماز آورده است: «و چون متوجه سلام دادن شوی باید خود را در حضور سید المرسلین و ملائکه مقربین و بقیه انبیاء سابقین و ائمه طاهرین و کرام الکاتبین فرض کنی و همه ایشان را در دل خود حاضر سازی پس ابتدا سلام کنی بر پیغمبر خود که سالار همه و واسطه هدایت و ایمان است و بگویی «السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته» پس متوجه

جمع‌شوی و برایشان سلام کنی و زینهار که چون بازی‌کنندگان بدون حضور ایشان در دل خود زبان به سلام‌نگشائی و چون مقتدای جماعتی باشی درسلام خود ایشان را نیز قصدنمایی و چون متذکر این معانی‌گردی امید قبول نماز خود را داشته‌باش و زینهار که به غفلت و بازیچه داخل نمازنشوی و بعضی از بزرگان درمیان اسرارنماز گفته است که نماز نمونه ایست از کیفیت حضور عرصه‌قیامت، پس باید آدمی درنماز متذکر آن حالت گردد. پس اذان اشاره به صور دوم و زنده شدن مردگان است و اقامه به جای منادی پروردگار است که بندگان را به موقف حضور می‌طلبد و ایستادن رو به قبله اشاره به ایستادن درحضور حضرت رب‌العزت به‌جهت پرسش‌اعمال و جواب و سوال است. این عالم بزرگ در ادامه بیان خود با اشاره به قرارگرفتن انسان درعرصه قیامت و ذکر ارتباط هر یک از جلوه‌های نماز با روز محشر درباره سلام می‌فرماید» (نراقی، ۶۸۱-۶۸۲).

۷- شیخ بهایی درکتاب جامع عباسی درباره تسلیم نماز چنین آورده است: «در آنچه تعلق به تسلیم دارد و آن هفده امر است پنج امر واجب و دوازده امر سنت است اما پنج امر واجب اول نشستن به مقدار تسلیم، دیم درنگ نمودن به آن مقدار، سیم گفتن السلام‌علیکم و رحمه‌الله و برکاته چهارم، آنکه تسلیم را بعد از فارغ شدن از تشهد به‌جا آوردن، پنجم آنکه چنان گوید که خود بشنود اگرچه به تقدیر باشد و اما دوازده امری که سنت است اول تورک نمودن به طریق تورک در تشهد دیم کفها را بر رانها گذاشتن، سیم انگشتان را به هم چسبانیدن چهارم قصد بیرون از نماز کردن پنجم قصد سلام بر انبیاء و ائمه و ملائکه و جمیع مومنین انس و جن کردن ششم قصدکردن پیشنماز سلام ما بر مومنین درضمن مومنین هفتم قصدکردن ما مومنین سلام بر پیشنماز درضمن مومنین هشتم بلند گفتن پیشنماز سلام را نهم آهسته گفتن ماموم آن را و منفرد منخیر است دهم آنکه پیشنماز و ماموم در وقت سلام دادن به جانب ابروی راست بر روی خود اشارت کنند یازدهم آنکه ماموم نوبت دیگر به جانب چپ سلام دهد اگر در جانب چپ او شخصی باشد و بعضی دیوار را در این مقام قایم مقایم مشخص داشته‌اند دوازدهم آنکه منفرد در وقت سلام دادن به گوشه چشم به جانب راست اشارت کند» (همو، ۵۳-۵۴).

۸- شهید ثانی در خصوص مخاطبان سلام می‌نویسد: «چون از تشهد فارغ گشتی، خود را در حضور پیامبر گرامی و فرشتگان مقرب حاضر کن و بگو: «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته، السلام علینا و علی عبادالله الصالحین» سپس پیامبر و دیگر

پیامبران و امامان و فرشتگان که حساب اعمال ترا نگاه می‌دارند. در دل حاضر نما و بگو: «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته».

و چنان نباشد که زبان به خطاب بگشایی و مخاطب در ذهنت حاضر نباشد که در این صورت از بیهوده کاران و بازیگران خواهی بود. و چگونه خطاب شنیده شود وقتی که مخاطبی نباشد. اگر فضل خداوند و رحمت همه‌گیر و مهربانی کامل او در پذیرفتن نمازی که به واسطه بی توجهی ما از اصل و حقیقت خویش دور گشته است، نبود، چه می‌کردی؟ گرچه ممکن است هم اکنون نیز پذیرفته نشده باشد و از اوج قرب و وصول به درگاه الهی فرو افتاده باشد.

اگر پیش نماز عده‌ای هستی، در سلام نمازت علاوه بر آنان که گفتیم نمازگزارانی را نیز که به تو اقتدا کرده‌اند، در نظر گیر و آنان نیز باید در سلام نمازشان ترا منظور داشته باشند. پس چون همین گونه که دانستی عمل نمودی وظیفه سلام نماز را ادا کرده باشی و فزونی اکرام الهی را سزاوار گشته‌ای» (نقل از جوادی آملی، ۷۷).

۹- ملا محسن فیض کاشانی نیز می‌فرماید: «قال بعض علمائنا: و اذا فرغت من التشهد فاحضر نفسك بحضرة سيد المرسلين و الملائكة المقربين و قل: السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و برکاته الى آخر التسليم المستحب، ثم احضر في اهلك النبي و بقیه انبياء الله و ائمه و الحفظة لك من الملائكة المقربين المحصين لاعمالك و قل: السلام عليكم و رحمة الله و برکاته. و لا تطلق لسانك بصيغة الخطاب من غير حضور المخاطب في ذهنك فتكون من العابثين و اللاعبين، و كيف يسمع الخطاب لمن لا يقصد لو لا فضل الله تعالى و رحمته الشاملة و رافته الكاملة في اجتزائه بذلك عن اصل الواجب و ان كان بعيداً عن درجات القبور، منحطاً عن اوج القرب و الوصول، و ان كنت اماماً لقوم فاقصد هم بالسلام مع من تقدم من المقصودين و ليقتصدوا هم الرد عليك ايضاً ثم يقصدوا مقصدك بسلام ثان، فاذا فعلتم ذلك فقد ادبتم وظيفه السلام و استحققتهم من الله عزوجل مزيد الاكرام، و اصل السلام مشترك بين التحية الخاصة و بين الاسم المقدس من اسماء الله تعالى و المعنى هنا على الاول ظاهر و على الثاني يكون مستعاراً في الخلق باذن الله تعالى ببتعادل بالسلام و الامان من العذاب الله تعالى لمن قام بحدود» (فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ۱/۳۹۳) که مفهومی نزدیک به سخنان پیشگفته از شهید ثانی دارد.

نتایج مقاله

- ۱- معنای محوری سلام امان است، آن هم امان از خشم الهی در قیامت.
- ۲- در سلام‌های نماز، پیامبران اسلام (ص)، امامان معصوم (ع)، بندگان صالح الهی و ملائکه مورد خطاب نمازگزاران قرار می‌گیرند.
- ۳- در معنای نماز علاوه بر مفهوم امان، معنای تحیت و درود نیز خالی از وجه نیست.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آملی، سید حیدر، انوار الحقیقة و اطوار الطریقة و اسرار الشریعة، قم، انتشارات نورعلی نور، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۳- ابن سلام، لغات القبائل الواردة فی القرآن الکریم، به کوشش عبدالحمید السید طلب، کویت، ۱۴۰۴ ق/۱۹۸۴ م.
- ۴- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، بیروت، دارالجیل، [بی تا].
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۶- ازهری، محمد بن محمد، تهذیب اللغة، به کوشش عبدالسلام محمد هارون و دیگران، قاهره، ۱۳۸۴ ق/۱۹۶۴ م.
- ۷- انصاف پور، غلامرضا، فرهنگ کامل فارسی، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۸- باقی زاده، رضا، نکته‌های ناب از آیت ا... العظمی بهجت، تهران، انتشارات سفیر صبح، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۹- بهشتی، سید محمد حسین، سرود یکتاپرستی، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت ا... دکتربهشتی، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- ۱۰- جبل عاملی، زین‌الدین، اسرار نماز، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۱۱- جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۱۲- جوادی آملی، اسرار قلبی نماز، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دهم، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- ۱۳- خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن پژوهی، تهران، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۱۴- خمینی، روح الله، رساله نوین، با ترجمه توضیح عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران،

- موسسه انجام کتاب، ۱۳۵۹ هـ.ش.
- ۱۵- همو، آداب الصلوه، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۱۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۱۷- راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن الکریم، دمشق، دار القلم، [بی تا].
- ۱۸- زبیدی، مرتضی، تاج العروس، قاهره، ۱۳۰۶ هـ.ق.
- ۱۹- شیخ بهایی، جامع عباسی، تهران، کانون انتشارات عابدی.
- ۲۰- طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۲۱- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۲۲- عبدالباقی محمدفؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن کریم، قاهره، ۱۳۶۴ هـ.ق.
- ۲۳- غزالی، ابوحامد محمد، احیاء علوم الدین، ترجمه موید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- ۲۴- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- ۲۵- فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیرالصافی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۲۶- همو، ملامحسن، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۲۷- همو، ملامحسن، نماز معراج انسان (ترجمه الصلوه)، با تاویلات عارف سبحانی شیخ حسن علی اصفهانی، به اهتمام حسین حیدرخانی مشتاقعلی، انتشارات مروی، چاپ اول، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۲۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۲۹- قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن کریم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۳۰- قرائتی، محسن، پرتوی از اسرارنماز، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ بیستم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۳۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، ۱۳۹۸ هـ.ش.
- ۳۲- ملکی تبریزی، حاج میرزاچواد، اسرارالصلوه، ترجمه رضا رجبزاده، تهران، انتشارات پیام آزادی، چاپ هفتم، ۱۳۷۶ هـ.ش.